

خدمات ارزشمند «بنیاد توس» به فرهنگ و هنر ایران



گفتگوی کیمهان لندن با جمیله خرازی و فرزانه کابلی که در آستانه اجرای برنامه جدید «بنیاد توس» در لندن و در دو شماره گذشته منتشر شد، با استقبال وسیعی از سوی علاقمندان به فرهنگ و هنر سرزمینمان، ایران، روبرو گشت. اکثر ایرانیان خارج از کشور با فعالیت‌ها و تلاشهایی که بنیاد فرهنگی توس در زمینه‌های مختلف انجام داده و به‌ویژه با برنامه‌هایی که در چند سال گذشته به‌صحنه آورده آشنایی دارند، ولی با این حال، برخی از خوانندگان کیمهان خواسته‌اند که توضیحات بیشتری در مورد ماهیت و کیفیت عرضه این برنامه‌ها داده شود تا بیش از پیش با شیوه کار و فعالیت «بنیاد توس» که خانم جمیله خرازی مؤسس و مدیر آن است، آشنا شوند.

برنامه آینده توس که در روز ۲۴ اکتبر در سالن لوگان هال لندن برگزار خواهد شد با نامی بسیار برانگیزنده و شعرگونه معرفی شده است: «شعر و رقص و ترانه در سرزمین چنگ و چغانه» این برنامه نمایشگر فرهنگ،

حرکت، البسه و فضای ایرانی در ۴ ساعت توضیح داد که با استقبال بی‌سابقه مردم روبرو شد.

برنامه چهارم، بزرگداشت داوود پیرنیا بنیانگذار برنامه گلپای جاویدان، یکی از موفق‌ترین برنامه‌های بنیاد توس بود که غیر از گنجایش ۱۰۰۰ نفری سالن بیش از ۱۵۰۰ نفر متقاضی نتوانستند بلیت تهیه کنند، زیرا ایرانیانی که ۳۱ سال از شنیدن بهترین و محبوبترین برنامه‌های رادیویی خود محروم شده بودند و جوانان آن روز که امروز به مردانی جوانی پشت سر گذاشته تبدیل شده بودند، با احیای نوستالژی وطن و یادآوری خاطرات رنگین گذشته شور و حال

بنیاد توس سازمانی فرهنگی و غیرانتفاعی است که در پنج سال گذشته با به روی صحنه آوردن پنج برنامه با اجراهای حرفه‌ای، به کرات نام ایران را با افتخار در اذهان عمومی به یاد آورده و پیوسته با پژوهش در تاریخ هنرهای مختلف ایران، زیباترین تلفیق از تاریخ فرهنگ و هنر در نیمه راه فراموشی ایران را، با نوآوری‌های بسیار جالب به صورت صحنه‌ای، مجسم کرده است. وجه امتیاز بنیاد توس این است که صرفاً به اجرای یک برنامه هنری اکتفا نمی‌کند. بلکه همراه با برنامه‌های هنری تحقیقات علمی و پژوهشی کافی نیز در هر زمینه به‌عمل می‌آورد. از یک دیدگاه، تحقیقات این بنیاد را تا به حال



موسیقی و رقص‌های نواحی بومی ایران و گذری موسیقایی و تاریخی در ایلات و عشایر ایران است. در این گذر تاریخی تماشاچیان با آداب و رسوم و سنت‌های ایلات و عشایر آشنا شده و با درنگی در تونل زمان، فیلم و اسلایدهای منطقه نشان داده می‌شود. در این گذر، تماشاچیان از شمال شرقی ایران سفر را آغاز کرده و شاهد رقصهای گروهی خراسان، در مازندران

دیگری درون سالن پیدا کردند. هرگز قابل پیش‌بینی نبود که اصوات رادیویی یکروز با چنان شکوه و جلالتی به صورت صحنه‌ای زنده و بازسازی شود و مردمی که بیشتر با نوا و صدای هنرمندانشان آشنا بودند برای اولین بار آنها را واقعی، برپا و خمیده در زیر کولبار سالیان، در قاب‌های گذشته تماشا کنند. برنامه پنجم بنیاد توس بسیار وسیع‌تر و از نظر حجم تاریخی زمان

هیچ سازمان فرهنگی دیگری نه در دوران قبل از انقلاب و نه در ۳۱ سال اخیر به اینگونه به صحنه نکشاده و از هنرمندان و صاحب‌نامان ادبی ایران چنان تجلیلی به‌خصوص در زمان حیاتشان نکرده است که در نوع خود بسیار نادر است.

برنامه اول توس در زیر عنوان «بزرگداشت یکی از بانوان قلم ایران، «لعبت والا» حرکتی بود که با به صحنه آوردن چند شخصیت



رقصهای شالیزار، در سیستان و بلوچستان رقصهای گروهی زنان و رقص سنتی دستبندی و سماع، رقص دراویش ساکن آن منطقه، خوزستان، لرستان و فارس رقصهای کهگیلویه و بویر احمد، در تهران رقصهای تابلوهای مینیاتور و برای اولین بار نمایش صحنه‌ای زورخانه و در آذربایجان رقصهای گروهی مردان و بالاخره در کردستان رقصهای گروهی مردان و زنان را مشاهده کرده و علاقمندان به شناسایی فرهنگ و هنر ایران را با کولباری از خاطرات خوش میزبان می‌شوند. موضوعی بس کهن که در ۳۱ سال اخیر با تمام جهش‌های کوچک و بزرگ سازمان‌های دیگر فرهنگی و یا هنری مشابه تفاوت دارد و هرگز به این جامعیت از تفاوت سنت‌ها و آداب

بیشتری را در بر می‌گرفت زیرا که موضوع «تفحصی در تاریخ پیدایش موسیقی کلاسیک، اپرا و باله در ایران و تأثیرگذاری موسیقی کلاسیک و غرب در آثار موسیقیدانان ایرانی» بود. در جای خود، به ثمر رسانیدن این فکر شاهکاری بسیار صعب بود که با بهره‌گیری از هنر خوانندگان اصلی و واقعی که قهرمانان گذشته صحنه‌های بین‌المللی بودند حال و شور دیگری در ذهن و جان تماشاچی ایجاد کرد.

در مجموع بنیاد توس با نوآوری‌ها و وسواس «حفظ و اعتلای فرهنگ و هنر اصیل ایران» که همیشه در برنامه‌هایش رعایت شده تا به حال تک سوار این میدان بوده و نگرش مردمی این بنیاد به موازات جلب توجه علاقمندان با ملیت‌های

متفکر، شاعر و نویسنده که هر کدام پیرو مکتب خاص و صاحب عقیده سیاسی ویژه‌ای بودند که لزوماً با یکدیگر همخوانی نداشت، به آسانی پیام «هنر مرزی ندارد و علاقمندان هنر در تمامی دنیا بی‌توجه به روند دولتی یا سیاسی با یکدیگر مرتبطاند» را صادر کرد.

برنامه دوم توس، «مروری بر سرنوشت صد سال ترانه از زمان انقلاب مشروطه تا انقلاب اخیر در ایران» بود که با توجه به آرمان قدیمی این بنیاد «هنر برای عاشقان هنر مرزی ندارد» تماشاچیان را از گذرگاه‌ها و افت و خیزهای تاریخی و سیاسی هر دوره با تمرکز به روی حرکت و تأثیرپذیری موسیقی و هنر در این دوران عبور داده و سفری صد ساله را با کوله باری پر افتخار برای



و رسوم عشیره‌ها گفتگو نمی‌شود و مطمئناً جای بحث و نقد زیادی را برای خود به‌جای خواهد گذاشت.

کوشش و تلاش خانم خرازی و همکارانشان ستودنی است. آرزوی روزهای سرشار از موفقیت برایشان داریم.

غیر ایرانی و رنگ و تالگوئی که با دقت و وسواس بی‌نظیر به تاریخ فرهنگ و هنر ایران در آن رعایت می‌شود، و هر بار ما شاهد دیدار و پشتیبانی تعداد بیشتری از جوانان و غیرایرانیان هستیم، بزرگترین امتیازی است که باید در کارنامه این بنیاد یادآور شد.

نام ایران و ایرانی به سرانجام رسانید. برنامه سوم این بنیاد، «نگاهی اجمالی به تاریخ ۳۰۰۰ سال رقص» از زمان میترائیان تا پهلوی در ایران بود. هرگز تماشاچیان باور نمی‌کردند که توضیح ۳۰۰۰ سال تاریخ را بتوان چنان ماهرانه در قاب‌های رنگارنگ زمان با حفظ اصالت، موسیقی،